

با سلام و درود بر آقای شهبازی عزیز و دوستان جان گنج حضور  
جناب مولانا مثنوی را با بیت زیبایی:

بشنو از نی چون حکایت می کند  
از جداییها شکایت می کند  
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱

آغاز می کنند، که حکایت جدایی انسان از اصل و مبدا هستی دارد و به دام من ذهنی افتادن و تلف کردن زندگی و نزول کردن و پست شدن و به درد افتادن و راه حل های قدرتمند و زیبایی که چگونه می توانیم از دام این دیو هزار چهره رهایی یابیم. که به زیباترین و عالیترین شکل ممکن، مولانا برایمان تصویر می کنند و جناب آقای شهبازی با رمزگشایی از این معجزه هستی، ما را از منجلاب من ذهنی نجات می بخشند که هر چه شکر و سپاس گویم، نتوانم آنچنان که شایسته سپاس از زندگی، مولانا و آقای شهبازی است را به جا بیاورم.

حکایت جدایی داستانی است که گریبان انسان این قرن را شاید نسبت به قرون قبل بیشتر گرفته است، جدایی در کوچکترین سطح، یعنی خانواده تا بزرگترین آن یعنی جامعه بشری و آثار آن پراکندگی در خانواده ها آنقدر مشهود است که متأسفانه مهر و محبتی دیده نمی شود و آنقدر حس بی مسئولیتی و بی تعهدی، فراگیر شده که کشتی بشریت در خطر بزرگی ست و تنها و تنها، راه حل و نجات خانواده ها و تمام بشریت، مولانا ست و مولانا و مولانا.

آقای شهبازی در برنامه ۹۴۱ فرمودند: "ما انسانها یک لشکر هستیم به عنوان لشکر عاشقان در مقابل وسوسه های دیو، درد کهنه و خرافاتی که من ذهنی ایجاد کرده پس باید به همدیگر کمک کنیم آیا می شود تمام انسانهای روی زمین این دید را داشته باشند که همه مان یک منظور داریم و آن زنده شدن به خداست.

از خدا لابه کنان آن چندیان  
که بده باد ظفر ای کامران  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۵۰

رقعه تعویذ می خواهند نیز  
در شکنجه طلق زن از هر عزیز  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۵۱

پس همه دانسته اند آن را یقین  
که فرستد باد، رب العالمین  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۵۲

ما انسانها لشکری هستیم که باید پیروزی به من ذهنی را برای خود و دیگران بخواهیم، آیا ما جمعاً این را از زندگی می خواهیم که: ای خدا ما را در پیروزی به من ذهنی یاری کن، آیا برای همدیگر از صمیم قلب دعا می کنیم، که خدایا ما را که همگی به مسیح درون یعنی هشیاری حضور ابستیم کمک کن تا زایمان راحتی داشته باشیم و در کار همدیگر اختلال و اغتشاش نکنیم، خرابکاری نکنیم، همدیگر را به واکنش وادار نکنیم، درد بر دردهای هم اضافه نکنیم، حداقل اگر کمک نمی کنیم دخالت در کار همدیگر نکنیم، غر نزنیم، شکایت نکنیم، به زمین و زمان ناسزا نگوئیم، دردها و گرفتاریهایی که خودمان درست کردیم به گردن دیگران نیندازیم، دنبال ایراد و عیب گویی نباشیم، مسائل را بزرگ نکنیم، در زندگی دیگران دخالت نکنیم، نخواهیم زندگی بقیه آدمها را حل کنیم در حالی که خودمان سراسر مشکلیم، اگر هر کدام از ما سرمان به کار خودمان و دردهایمان باشد، اگر در یکی از جنبه های زندگی، مثلاً جنبه مادی پیشرفت کردیم فکر نکنیم دیگر در تمام جنبه های زندگی عقل کل شده ایم، و حق داریم نظر بدهیم و به قول معروف نخود هر آشی شویم، خداوند به هر کدام از ما شعور داده، پس هر کس و هر انسانی حق انتخاب مسیر زندگی خودش را با راهنمایی خرد کل درون خود دارد. اجازه دهیم انسانها خود مسیر خود را انتخاب کنند به این ترتیب خداوند صد در صد همه را در مسیری که خودش صلاح بداند راهنمایی می کند. در یک کلام من ذهنی را خاموش کرده و افسار زندگی را به دست قضا و کن فکان بدهیم تا خرد کل آنچنان که ما را از مادر جسمانیمان آورده از من ذهنی بزیاید.

زیرا درین درگاه:

جز خضوع و بندگی و اضطرار  
اندرین حضرت ندارد اعتبار  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۲۳

آقای شهبازی فرمودند: همه ی ما لشکر عاشقان هستیم و داریم سعی می کنیم که از سلطه من ذهنی، خرافات و دردها جدا شویم، اگر تمام انسانها جدا شوند شبیه آن انسانهایی که در کشتی هستیم، نجات پیدا می کنیم اگر نه ما همه مان غرق می شویم. اینطور نیست که یک عده ای بمانند، یک عده ای بمیرند.

پس عدم گردم عدم چون آرغنون  
گویدم که انا إليه راجعون  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۹۰۶

پس مرکز را عدم می کنم، تمام هم هویت شدگیهایم را با کمک ابیات بینظیر مولانا و برنامه بینظیر گنج حضور شناسایی می کنم، تا آینه ام صافی گردد و به منظور زندگی که وحدت با زندگی ست، نائل شوم .

فُرَقْتِي لَوْ لَمْ تَكُن فِي ذَا السُّكُونِ  
لَمْ يَقُلْ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۹۳۶

"اگر در این جهان، ما در فراق و جدایی از خدا نبودیم هرگز خدا از زبان ما نمی فرمود: همانا ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم. " این بیت اشاره به این آیه دارد:  
کسانیکه چون مصیبتی به آنها رسید گفتند ما از خدا هستیم و به سوی او بر می گردیم.  
-قرآن کریم، سوره بقره (۲)، آیه ۱۵۶

با تشکر، نسرين